

# جایگاه طراحی و تدوین محتوای آموزشی رشته‌های مهارت آموزی در بهزیستی آموزشی دانش آموزان با نیازهای ویژه

احسان کلبعلی<sup>۱</sup>

دکترحسین کریمیان<sup>۲</sup>

دکترغلامرضا ویسی<sup>۳</sup>

## چکیده

هدف پژوهش «اثربخشی محتوای آموزشی رشته‌های مهارتی دوره دوم متوسطه حرفه‌ای از دیدگاه کارشناسان و متخصصین» و روش پژوهش از نوع آمیخته (کمی-کیفی) می‌باشد. در بخش کمی، روش توصیفی از نوع پیمایشی؛ و برای تحلیل داده‌های کیفی، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. جامعه آماری، شامل کارشناسان و دبیران آموزش و پرورش استثنایی استان مرکزی (N=85) بودند که به روش تصادفی ساده و با فرمول کوکران، ۷۰ نفر به عنوان نمونه برای بخش کمی انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها در بخش کمی، از پرسش نامه محقق ساخته استفاده شده و اعتبار پرسشنامه توسط صاحب نظران تأیید و پایایی آن بوسیله ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵۹ محاسبه گردید. روش تحلیل داده‌ها در این بخش آمار توصیفی (میانگین) بود. جامعه آماری بخش کیفی مشتمل بر کارشناسان و دبیران دوره دوم متوسطه حرفه آموزی بودند که با استفاده از «روش نمونه‌گیری هدفمند ملاک محور» تا حد اشباع نظری، تعداد ۱۷ نفر انتخاب و از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام شد. نتیجه حاصله نشان داد در برنامه درسی فعلی دانش آموزان با نیازهای ویژه، محتوا ناظر بر حوزه شناختی و با تأکید بر محفوظات، بدون توجه به تفاوت‌های فردی و مسئله بوم شناختی برای دانش آموزان است. در این برنامه، تأکید بر ارائه محتوای انتخاب شده در طول سال تحصیلی است و این امر، باعث عبورکردن دبیران از محتوای مورد نیاز و ضروری فرد دارای کم توان ذهنی شده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش استثنایی، بهزیستی آموزشی، دانش آموزان با نیازهای ویژه، دوره دوم متوسطه حرفه‌ای، محتوای آموزشی.

<sup>۱</sup> - گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

<sup>۲</sup> - گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران نویسنده مسئول)

[hosein.karimian46@yahoo.com](mailto:hosein.karimian46@yahoo.com)

<sup>۳</sup> - گروه برنامه ریزی درسی، پژوهشگاه علوم انسانی امام صادق علیه السلام، قم، ایران

## مقدمه

پدیده معلولیت و ناتوانی پدیده‌ای است به قدمت بشر، از دوران اولیه این افراد به واسطه، معلولیتشان مورد تبعیض، بدرفتاری، کشتار و به نوعی تضییع حقوق قرار گرفته‌اند. آنچه در تاریخ می‌توان دید این است که تا دوران ظهور ادیان همیشه برخورد با معلولیت و کم‌توانی به صورت محو و از بین بردن آنان بوده است (کمالی، ۱۳۸۶). بنابراین کم‌توان ذهنی یا به اصطلاح دیگر، افراد با نیازهای ویژه و یا نارسایی رشد قوای ذهنی موضوع جدیدی نیست، بلکه در هر دوره و زمان، افرادی در اجتماع وجود داشته‌اند که از نظر فعالیت ذهنی در حد طبیعی نبوده‌اند. (Gabrilli & Coppa, 2015) امروزه در کشورهای مختلف جهان و سیستم‌های آموزشی در تلاش هستند با استفاده از روش‌های مختلف به ارزیابی عوامل مؤثر بر بهبود کیفیت زندگی اجتماعی افراد با نیازهای ویژه از طریق ایجاد آموزش‌های مناسب در گروه‌های آموزشی استثنایی پرداخته، به نقاط ضعف و قوت آن‌ها پی برده و اقدامات مناسبی را در جهت اصلاح و بهبود کیفیت آن انجام دهند (فریقی، ۱۳۹۵). بسیاری از این کشورها برای بهبود سیستم آموزشی خود در تلاش هستند که برای پاسخگویی به چالش‌های دنیای امروز راه‌کارهای خلاقانه را صورت و انجام دهند. بخشی از این تلاش‌ها شامل آموزش معلمان باکیفیت و یا تدوین محتوای برنامه درسی مناسب است (Ibrahim, 2011). در واقع معلمان آموزشی می‌توانند در راستای ارائه محتوای مناسب و وظیفه سنگینی را بر دوش کشند و در فرآیند تعلیم و تربیت بکوشند تا برنامه‌های تربیتی و محتوای در نظر گرفته‌شده را بر اساس نیازهای جامعه طراحی و ارائه نمایند (پارمحمدیان، ۱۳۹۷). در چند دهه اخیر هیچ‌یک از گروه‌های آموزشی مانند گروه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه سازمان آموزش و پرورش را به چالش نکشیده است چه در بحث برنامه‌ریزی آموزشی و درسی برای این گروه خاص از دانش‌آموزان و چه از لحاظ تعیین محتوای در نظر گرفته‌شده، باید در نظر گرفت که هرکسی که با سیستم‌های تحصیلی آشنا باشد در باب کلاس‌های خاص کودکان با نیازهای ویژه «تعلیم پذیر»<sup>۱</sup> او «آموزش پذیر»<sup>۲</sup> شنیده‌هایی دارد. افراد دارای مشکل عقب‌مانده ذهنی تعلیم پذیر (EMR)<sup>۳</sup> کسانی هستند که هوش‌بهری میان ۷۵ تا ۷۰ دارند و افراد دارای عقب‌ماندگی ذهنی آموزش پذیر هوش‌بهری بین ۵۰ تا ۲۵ دارند که این طیف وسیعی از دانش‌آموزان آموزش‌های خاص خود و گاه‌ها محتوای تدوین‌شده مناسب‌سازی شده را نیازمند می‌باشد که گاه‌ها و متأسفانه سیستم‌های آموزشی فعلی از این مقوله بسیار سرسری عبور می‌کند به گونه‌ای که برخی از کودکانی که برچسب ناتوانی به آن‌ها خورده است از دسترسی به آموزش عمومی بازمانده‌اند. در واقع توجه به طبقه‌بندی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه می‌تواند یاری بخش تدوین محتوا و روش آموزش به این گروه خاص به‌ویژه در آموزش متوسطه باشد (کافمن & هرمن، ۱۳۹۶).

1 - Trainable

2 - Educable

3 - Educable Mentally Retarded

4 - Trainable Mentally Retarded

کودکان با نیازهای ویژه یا به عبارتی کم توان ذهنی اصطلاحی است برای توصیف سطح کارکرد زیر متوسط معنی دار مورد استفاده قرار می گیرد. این اصطلاح جایگزین اصطلاح عقب مانده ذهنی شده است که تا به دهه گذشته توسط متخصصان به طور رایج مورد استفاده قرار می گرفت. ناتوانی های ذهنی یا عقب ماندگی های ذهنی دامنه ای از افراد از قبیل نوجوانان با نشانگان داون، خردسالانی که در فقر زندگی می کنند و محرک ها و تجارب بسیار محدودی برای آن ها فراهم می شود و بزرگسالانی که برای سازگاری با خواسته های پیچیده اجتماعی بسیار تلاش می کنند را در بر می گیرد. از آنجایی که عقب ماندگی ذهنی اصطلاحی کلی است که به گروه بسیار متفاوتی از افراد اشاره دارد به همین دلیل زمانی که این اصطلاح برای شخص مورد استفاده قرار می گیرد ممکن است آن شخص واقعاً مبتلا به کم توان ذهنی باشد یا این که هرگز چنین اصطلاحی برای او صحت نداشته باشد. در واقع فرد دارای کم توان ذهنی یا به عبارت دیگر افراد با نیازهای ویژه افرادی هستند که در کارکردهای ذهنی و رفتار سازشی دارای محدودیت های فراوانی باشند که در مهارت های مفهومی، اجتماعی و عملی قابل مشاهده باشد در واقع این ناتوانایی ها قبل از سن ۱۸ سالگی به ظهور خواهد رسید (دیمه کار حقیقی، امین خندقی، & اصغری نکاح، ۱۳۹۷). از نظر آموزشی کودک استثنایی کودکی است که نیاز به تعلیم و تربیت خاص داشته باشد و از کلاس و تعلیم عادی نتواند بهره کافی گیرد و از جنبه کلی نیز چنانچه کودکی از نظر فراگیری مطالب، رفتار، هوش و یا گذران زندگی نتواند چون کودکان عادی و بهنجار عمل کند و به جهتی با کودکان همسال خود تفاوت های رفتاری، گفتاری و یادگیری داشته باشد و از حد یک کودک عادی هم سن خود خارج باشد استثنایی نامیده می شود (باقری فر، جدگال، کیجا، & شجاعیان، ۱۳۹۵).

با توجه به همین تعریف از دانش آموزان و افراد دارای نیازهای ویژه یادگیری چنین برمی آید که محیط های آموزشی این گونه افراد نیز باید دارای شرایط خاص خود باشد در واقع تصمیمات درباره آنچه باید به دانش آموزان با نیازهای ویژه تدریس شود و اینکه چه کسی باید تدریس کند یا چه محتوایی در نظر گرفته شود، مهم است در واقع در این قسمت درباره گزینه های مختلف برنامه های آموزشی و درسی که مربوط به مدل های گوناگون آموزش و پرورش است صحبت به میان خواهیم آورد (غباری بناب & حسین خانزاده فیروزجاه، ۱۳۹۸).

مدل های گوناگونی برای تعلیم دانش آموزان با نیازهای ویژه در سطح آموزش متوسطه وجود دارد. زیگموند و سان سون (۱۹۸۶) معتقدند که این مدل ها در رابطه با موارد زیر با یکدیگر تفاوت هایی دارند: الف) وقتی که دانش آموزان در برنامه آموزش های ویژه باید سر کنند در مقایسه با طول مدتی که باید به وسیله معلم صرف آموزش های عمومی شود، چه مقدار باید باشد؟

ب) وجوه تشابه و تفاوت بین برنامه های آموزش های ویژه و آموزش عمومی می بایست تا چه اندازه باشد؟ مدل ها می توانند در رابطه با موارد فوق با یکدیگر اختلاف هایی داشته باشند. موضوع دو سر دارد، در یک طرف قضیه مدل ها به طریقی هستند که دانش آموزان هرگز از برنامه آموزش های ویژه برخوردار نمی شوند و یا اگر

هم می‌شوند، طول مدتی که صرف این آموزش می‌گردد ناچیز است. یک نمونه از این مدل‌ها «مدل مشورتی» است که در آن معلم آموزش‌های ویژه با معلمان آموزش‌های عمومی کار می‌کند و به آن‌ها کمک می‌کند تا برنامه تدریس خود را به طریقی سازمان دهند که بتوانند دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری را در کلاس خود جای دهند. الگوی دیگری که در آن دانش‌آموز از حداقل کمک‌های آموزش‌های ویژه برخوردار می‌شود و حداقل تغییر در برنامه‌های عادی مدرسه به وجود می‌آورد، الگوی است به نام «مدل سرپرستی در اتاق مرجع». در چنین سازمانی معلم آموزش‌های ویژه در دروسی که دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری دچار مشکل هستند به آن‌ها درس می‌دهد به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند در امتحانات نمره قبولی کسب نمایند. در سر دیگر قضیه الگوهای وجود دارند که متضمن استفاده زیاد از برنامه آموزش‌های ویژه است در این الگو وجود برنامه‌ای متفاوت ضرورت پیدا می‌کند که یکی از الگوهای مشابه با این روش الگویی است که زیگموندو سان سون ابه نام «کلاس جامع یا برنامه نو» نام نهادند صفت بارز این مدل «برنامه آموزش‌های درسی» است که برنامه‌ای است که اغلب برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه اجرا می‌شود برنامه به طریقی سازمان‌یافته است که به‌جای تأکید بر آموزش دروس دانش‌آموزان را آن‌طور تربیت کنند که بتوانند وارد بازار کار شوند (کافمن & هالاهان، ۱۳۹۸). طراحی و تدوین محتوا و برنامه درسی در این دوره بر اساس نگرش‌ها باعث شده تا محتوای درسی دوره دوم متوسطه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از رویکرد سستی به سمت رویکردهای نتیجه محور حرکت کند و بر این مسئله تأکید نماید که دانش‌آموزان برای زندگی مستقل در جامعه رو به تغییر آماده شوند و معلمان باید مدارس را به مکانی که یادگیری در آن جریان داشته باشد تبدیل کنند. محتوای آموزشی و درسی در این دوره بر چهار حیطه مجزا شامل مهارت‌های تحصیلی، مهارت‌های شغلی، مهارت‌های زندگی مستقل و مهارت‌های اجتماعی تأکید دارد که به‌عنوان ستون‌های اصلی آموزش در این مقطع معرفی می‌شوند (دیمه کار حقیقی، امین خندقی، & اصغری نکاح، ۱۳۹۷).

در مورد تعریف محتوا صاحب‌نظران مختلفی اظهارنظر نموده‌اند اما کلیه تعاریف در این اجماع دارد که در امر آموزش باید چیزی را به کسی یاد داد این شخص دانش‌آموز و آن چیز محتوا است. محتوا را می‌توان دانش، مهارت، گرایش‌ها و ارزشیابی توصیف کرد که باید یاد گرفته شود. با ملاحظه تعاریف مختلف محتوای برنامه درسی ذکر این نکته مهم است که محتوا نه تنها همان نیست که به‌وسیله برنامه ریزان طراحی می‌شود و به‌وسیله مؤلف، انتخاب و سازمان‌دهی می‌گردد. با اینکه عمده محتوا همین است اما در فرایند آموزش آنچه معلم برای تدریس تدارک و پیش‌بینی نموده در ضمن تدریس ارائه می‌کند همچنین آنچه از تعامل دانش‌آموز با یکدیگر حاصل می‌شود همه بخشی از محتوا را تشکیل می‌دهد یعنی علاوه بر مفاهیم، مهارت‌ها و نگرش‌هایی که تهیه‌کنندگان محتوای برنامه درسی انتخاب کردند رابطه معلم با دانش‌آموزان و رابطه دانش‌آموزان با یکدیگر نیز مرجع دیگر محتوا است منتها چون در کنترل نیست و نمی‌توان از قبل آن‌ها را پیش‌بینی

نمود در بحث برنامه‌ریزی که به‌طور عمده با اعمال آگاهانه مرتبط است که نباید برنامه‌ریزان و مجریان، محتوای آموزشی را بسته‌ای تصور کنند که مواد موردنیاز را در داخل آن ریخته‌اند و کلید آن نیز نزد معلم است و داخل کلاس باز می‌کند به ذهن دانش‌آموزان منتقل می‌نماید بلکه آنچه به‌عنوان محتوا آماده کرده‌اند به‌صورت مجموعه مفاهیم و مهارت‌هایی تلقی کنند که قبل از آموزش، اصلاح، تغییر، تکمیل و یا توسعه پیدا کند، در مجموع می‌توان گفت که محتوا عبارت است از مجموعه حقایق، مفاهیم، اصول، تعمیم‌ها، فعالیت‌ها، فرآیندها، ارزش‌ها و نگرش‌ها که در ارتباط با یکدیگر و در جهت هدف‌های یادگیری برای یادگیرندگان پیش‌بینی می‌شود (ملکی، ۱۳۹۵).

با توجه به آنچه در مورد محتوای برنامه آموزشی و درسی گفته شد و ویژگی‌های خاص دانش‌آموزان با نیازهای ویژه باید این نکته را در نظر آورد که در برنامه‌های آموزشی دوره دوم متوسطه حرفه‌ای این دانش‌آموزان در سطح تصمیم‌گیری کلان که توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران موردتوجه برنامه‌ریزان قرار داشته است، پرداخته‌شده بدون توجه به تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های خرد که همانا عدم توجه به انعطاف در رشته‌های تحصیلی و امکانات آموزشی مناطق هست، است به‌طوری‌که در مبحث حرفه‌آموزی کمتر نگاهی به کشش جامعه جهت پذیرش حرفه‌های آموزش داده‌شده به این عزیزان شده است. این مسئله بدان معناست که بار دیگر دانش‌آموزان با نیازهای ویژه پس از گذراندن دوره حرفه‌آموزی در جامعه‌ای بدون وجود زیرساخت‌های کاری مختص آموزش‌های داده‌شده رها خواهند شد درحالی‌که پژوهش‌ها نشان داده است که تحصیلات متوسطه گزینه مهمی در مسیرهای آموزشی و استخدامی دانش‌آموزان دارای معلولیت ذهنی است (Alqazlan, Alallawi, & Totsika, 2019).

نکته حائز اهمیت دیگر این است که تاکنون پژوهش‌های گوناگون، آموزش‌های حرفه‌آموزی را موردبررسی قرار داده است و در برخی از آن‌ها یافتن راهکار و یا ارائه الگو جهت پیاده‌سازی هر چه‌بهر شيوه‌های آموزش حرفه‌آموزی مدنظر بوده است اما باوجود مطالعات گوناگون در این حوزه، در هیچ یک به‌طور مستقیم به بحث محتوای مناسب حرفه‌آموزی جهت دانش‌آموزان با نیازهای ویژه توجه نشده و یا از وضوح و شفافیت کافی برخوردار نبوده‌اند به‌طور مثال:

صادقیان سورکی و همکاران در سال ۱۳۹۵ پژوهشی با عنوان تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره پیش حرفه‌ای کم‌توان ذهنی از لحاظ میزان توجه به آموزش مهارت‌های زندگی انجام داد که نتیجه نشان داد که کتاب‌های درسی دوره پیش حرفه‌ای کودکان کم‌توان ذهنی به‌گونه‌ای متفاوت به آموزش مهارت‌های زندگی توجه دارند در بعضی از کتاب‌ها توجه بیشتر و در بعضی از کتاب‌های کمترین توجه صورت گرفته است؛ بنابراین با توجه به اینکه هدف آموزش دوره پیش حرفه‌ای کودکان کم‌توان ذهنی آماده ساختن دانش‌آموزان برای زندگی مستقل در جامعه است، ضرورت دارد که کتاب‌های درسی موردبازنگری قرار گیرند (صادقیان سورکی، خرمی، قیصری، & موثقی، ۱۳۹۴).

آسیه مرادی و همکاران در سال ۱۳۹۵ پژوهشی در باب تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی دوره دوم دبستان دانش آموزان کم‌توان ذهنی بر اساس الگوی مکلافین انجام دادند و نتیجه گرفتند که محتوای کتاب بر اساس اصول سازمان‌دهی کتب نبوده مخصوصاً در پایه‌های پنجم و ششم و مطالب در این دوپایه بر اساس ساده به مشکل پیچیده نشده و نیاز به تغییر می‌باشد (مرادی، قاسم زاده، & تازیکی، ۱۳۹۵).

گوریل مولجورد<sup>۲</sup> در مطالعه میدانی با موضوع برنامه درسی برای دانش آموزان دارای معلولیت ذهنی که از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۱۶ بر روی مقالات منتشرشده درباره برنامه درسی دانش آموزان با نیازهای ویژه به چاپ رسیده بودند، انجام داد متوجه شد که مقالات آکادمیکی که بر موضوع آموزش مهارت‌های زندگی به افراد دارای با نیازهای ویژه توجه دارند، انجام‌شده افزایش شیب‌دار فراوانی را نشان می‌دهد در واقع اگر برنامه درسی در مورد مهارت‌های زندگی عملکردی را کد بماند، سیاست و برنامه درسی نمی‌تواند مهارت‌های لازم برای سازگاری اجتماعی و عملی در جوامع را به دانش آموزان ارائه دهد (Moljord, 2017).

همچنین فرزانه دیمه کار حقیقی در سال ۱۳۹۶ پژوهش خود را در زمینه تبیین جهت‌گیری برنامه درسی دوره پیش حرفه‌ای و متوسطه حرفه‌ای آموزش و پرورش استثنایی بر اساس نوع نگرش معلمان و کارشناسان به دانش آموزان کم‌توانی صورت داد نتیجه حاصله بر این بود که نگرش قالب به دانش آموزان کم‌توان ذهنی خوش‌بینانه بوده و بر این اساس جهت‌گیری غالب معلمان و کارشناسان، جهت‌گیری زندگی مستقل تعیین شد و تفاوت معنی‌دار بین نوع جهت‌گیری و نگرش به دانش آموزان نشان داد که نگرش‌ها تعیین‌کننده نوع جهت‌گیری‌ها هستند (دیمه کار حقیقی، امین خندقی، & اصغری نکاح، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های میرتبار بزرودی (۱۳۹۹)، آقا محمدی (۱۳۹۶)، فرح مملکت دوست (۱۳۹۴)، روحی (۱۳۹۳)، جین چائولجیونگ و سانگ نامکیم<sup>۳</sup> (۲۰۱۸)، مادالینا اکتربینا پوپسکو مونیکا رومان<sup>۴</sup> (۲۰۱۷)، ویدیا راویدرانادان<sup>۵</sup> (۲۰۱۵)، از دیگر پژوهش‌هایی بودند که برنامه آموزشی مهارت‌آموزی را مورد بررسی قرار دادند و این نوع آموزش‌ها را برای این گروه از دانش آموزان مفید خواندند.

بنابراین با توجه به مطالبی که در پیشینه آورده شد می‌توان به این نکته دست‌یافت که در طراحی و تدوین محتوای برنامه درسی برای دانش آموزان آموزش پذیر ابتدا باید بر اساس توان بالقوه کودک برای زندگی در دوران بزرگسالی توجه نمایند، سپس منفعت حرفه‌ای، اجتماعی و دیگر عوامل‌کننده تعیین را در نظر بگیرند (چکامه، ۱۳۸۴). محتوای برنامه‌های درسی تدوین‌شده برای آموزش و توان بخشی این دانش آموزان باید متناسب با نیازهای همه‌جانبه آن‌ها باشد و در این راه باید حداکثر مشارکت دانش آموزان و معلمان و

1 - McLaughlin

2 - Gøril Moljord

3 - Jin Chauljiang and Song Namkim

4 - Madalina Actrina Popesco Monica Roman

5 - Vidiya Ravidernadan

متخصصان آن‌ها را فراهم کرد (افشار & آرین، ۱۳۹۵). بنابراین با توجه به محتوای برنامه آموزشی دانش آموزان کم‌توان ذهنی سؤال اساسی این است که:

اثربخشی محتوای آموزشی رشته‌های حرفه‌آموزی در بهزیستی آموزشی دانش آموزان با نیازهای ویژه از دیدگاه متخصصان تا چه حدی می‌باشد؟

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع آمیخته (کمی-کیفی) بود؛ در بخش کمی، تو صیفی از نوع پیمایشی و برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون استفاده شد. جامعه آماری تحقیق؛ کلیه کارشناسان و دبیران شاغل در حوزه آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه استان مرکزی تعداد ۸۵ نفر می‌باشند. نمونه تحقیق، با استفاده از جدول مورگان و فرمول کوکران ۷۰، دبیر و کارشناس به صورت تصادفی ساده انتخاب گردیدند که فراوانی آن‌ها بر اساس جنسیت در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: فراوانی بر اساس جنسیت

ارزش‌ها	فراوانی		درصد	
	مرد	۵۴	۷۷,۱	۷۷,۱
زن	۱۶	۲۲,۹	۲۲,۹	
کل	۷۰	۱۰۰	۱۰۰	

با توجه به جدول میزان توزیع فراوانی نمونه‌ها بر اساس جنسیت بیانگر آن است که ۲۲/۹ درصد پاسخ‌دهندگان زن و ۷۷,۱ درصد مرد می‌باشند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه مدون و پرسش‌نامه محقق ساخته بود که در قسمت مصاحبه نیمه مدون پس از تحلیل اسناد رده‌بالا و بخش‌نامه‌های حوزه آموزشی دانش آموزان با نیازهای ویژه می‌توان به یکی از مؤلفه‌های بحث حرفه‌آموزی که محتوای آموزشی است دست یافت که سؤالاتی را نیز طبق همین مؤلفه جهت مصاحبه تدوین شد البته مصاحبه به گونه‌ای طراحی شد که (نیمه ساختاریافته) مصاحبه شونده‌ها و مصاحبه‌گر بتوانند پس از کاوشگری به نکات ارزنده بیشتری دست یابند. پس از تدوین فرم مصاحبه، انجام مصاحبه در بین کارشناسان و دبیران دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی آغاز شد. روش نمونه‌گیری در این بخش روش نمونه‌گیری هدفمند ملاک محور تا حد اشباع نظری بود که نمونه‌ای به حجم ۱۷ نفر انتخاب شد و پس از انجام

مصاحبه، کلیه مصاحبه‌ها یکایک و کلمه به کلمه پیاده‌سازی و تایپ‌شده، سپس این مطالب، پردازش و برحسب طبقات چهارگانه اهداف، محتوا، تدریس و ارزشیابی طبقه‌بندی شدند.

در تدوین فرم مصاحبه و پرسش‌ها به نکات مندرج در جدول ۲ توجه شد.

جدول ۱: نکات ضروری در تدوین و تهیه فرم مصاحبه

ردیف	عناوین
۱	ویژگی‌های دانش آموزان
۲	نیازها، علایق و توانایی‌های فردی دانش آموزان
۳	نقاط ضعف و قوت تدوین محتوای آموزشی
۴	اهمیت و ضرورت تعیین‌شده محتوا
۵	مسائلی که در حیطه تدوین محتوای آموزشی مورد غفلت و بی‌مهری قرار گرفته و بالعکس
۶	استفاده از تجارب عملی و ضمن کار در حوزه محتوای آموزشی
۷	نحوه تناسب بین محتوا و شیوه ارزشیابی دانش آموزان

برای تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضمون استفاده شد به‌منظور اطمینان از روایی یافته‌های پژوهش کیفی بر اساس معیارهای ارائه‌شده توسط کرسول و میلر (۲۰۰۰) تعداد ۶ نفر از شرکت‌کنندگان (۲ نفر از اساتید دانشگاه و ۲ نفر از کارشناسان خبره حوزه آموزش و پرورش استثنایی و ۲ نفر از معلمان باتجربه مدارس دانش آموزان با نیازهای ویژه دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی) گزارش نهایی (شاخص‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها) را بازبینی کردند و پیشنهادهای آن‌ها در تدوین پرسشنامه محقق ساخته طرح لیکرت لحاظ گردید. و پس از تدوین پرسشنامه جهت به دست آوردن پایایی، پرسشنامه در بین ۳۰ آزمودنی اجرا و پس از جرح و تعدیل، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS، پایایی ابزار بر اساس آلفای کراباخ برابر ۰/۸۵۹ تعیین گردید که بیانگر مناسب بودن ابزار برای جمع‌آوری داده‌ها بود، و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی استفاده شده است.

### یافته‌ها

پس از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده از کارشناسان و معلمان دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی و کنار هم قرار کلیه داده‌ها بر اساس مؤلفه محتوای آموزشی نقاط مثبت و منفی

<sup>۱</sup> - Cresswell and Miller



و وضعیت موجود را از نظر کلیه کار شنا سان و دبیران دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی مورد بررسی قرار داده‌ایم که بر این منوال می‌باشد

نقاط قوت محتوای این دوره را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- با همه کمبودها و نواقص، محتوای این دوره باعث ایجاد تغییراتی نسبتاً بهینه در دانش آموزان با نیازهای ویژه خواهد گردید.

۲- محتوای ارائه‌شده متناسب با ویژگی‌های دانش آموزان با نیازهای ویژه می‌باشد.

۳- زبان نگارش محتوا بسیار ساده و روان و سلیس می‌باشد.

و اما نکات منفی که پس از تحلیل مصاحبه‌ها به عمل آمد را می‌توان در امور زیر دانست که:

-عدم اتخاذ رویکرد روشن جهت طراحی و تدوین محتوا

-عدم رعایت اصول سازمان‌دهی محتوا (آنچه در قبل ذکر آن رفت)

-عدم رعایت پیش‌نیازها در تدوین محتوای برنامه درسی

-عدم رعایت ارتباط طولی بین محتوای دروس مهارتی

-متناسب نبودن طراحی و تدوین محتوا به گونه‌ای که با توانایی‌ها و ظرفیت‌های دانش آموزان همخوانی داشته باشد

-عدم ارتباط محتوای دروس نظری و مهارتی

-عدم دستیابی دانش آموزان به مهارت‌های پایه‌اساسی مثل خواندن، نوشتن و حساب

-عدم رعایت اصول سازمان‌دهی و تناسب محتوای دوره ابتدایی با دوره‌های آموزش پیش حرفه‌ای و حرفه‌آموزی

-عدم توجه به مسائل بوم‌شناختی و منطقه‌ای در تدوین محتوای دوره متوسطه حرفه‌آموزی (به پژوه & همکاران، ۱۳۹۰).

کلیه افرادی که در مصاحبه شرکت کردند در خصوص محتوای دوره حرفه‌آموزی دانش آموزان با نیازهای ویژه معتقدند در بخش حرفه‌آموزی با توجه به تفاوت‌های موجود بین فراگیران عملکرد

آنان متفاوت است و در صورت عدم موفقیت آنان در یک‌رشته، لازم است تا به رشته دیگری که متناسب با توانایی‌های آنان است انتقال داده شوند که متأسفانه این امر در خصوص آموزش حرفه‌آموزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین در خصوص دروس نظری باید گفت که با توجه به انتزاعی بودن محتوای آموزش‌های نظری مانند ریاضی، علوم، ادبیات و... عملکرد دانش‌آموزان در این دروس ضعیف می‌باشد در خصوص دروس مهارتی با توجه به عدم رعایت تفاوت‌های فردی حرفه‌آموزان در تدوین استانداردهای مهارتی، این آموزش‌ها در آموزش حرفه‌ای، حرفه‌آموزان تأکید نشده و نتوانسته است پاسخگوی نیازهای آنان باشد.

مربیان مهارتی نیز همین نظر را اظهار داشته و این حاکی از آرمانی بودن محتواهای استاندارد مهارتی تدوین شده است.

بنابراین با در نظر گرفتن نقاط ضعف موجود در تدوین محتوای آموزشی دوره دوم متوسطه حرفه‌ای پرسش‌هایی که در پرسشنامه محقق ساخته گنجانده شد و سپس مورد تحلیل نهایی قرار گرفت در جدول زیر عنوان شده‌اند.

جدول ۳: سؤال‌های ضروری در تدوین و تهیه فرم پرسشنامه محقق ساخته

تا چه میزان در تدوین محتوای آموزشی دوره متوسطه حرفه‌آموزی به توانایی‌ها و ظرفیت‌های دانش‌آموزان توجه شده است	محتوا
تا چه میزان در محتوا به فرایند یاددهی-یادگیری نسبت به تفاوت فردی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه توجه شده است	
تا چه میزان در تدوین محتوای آموزشی دوره متوسطه حرفه‌آموزی به رعایت اصول سازمان‌دهی محتوا توجه شده است	
تا چه میزان در تدوین محتوای آموزشی دوره متوسطه حرفه‌آموزی به مسئله رعایت پیش‌نیازها توجه شده است	
تا چه میزان در تدوین محتوای آموزشی دوره متوسطه حرفه‌آموزی به اصل اساسی مهارت پایه مانند خواندن نوشتن و حساب کردند توجه شده است	
تا چه میزان در تدوین محتوای آموزشی دوره متوسطه حرفه‌آموزی به رعایت اصول سازمان‌دهی و تناسب محتوای دوره عمومی و پیش حرفه‌ای با دوره حرفه‌آموزی توجه شده است	
تا چه میزان در تدوین محتوای آموزشی دوره متوسطه حرفه‌آموزی به مسئله بوم‌شناختی منطقه‌ای توجه شده است	

جدول ۴: درصد پاسخگویی افراد به هر یک از شاخص های محتوا							
	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7
۱	۱۵,۷	۱۴,۳	۱۷,۱	۷,۱	۱۴,۳	۱۰,۰	۲۲,۹
۲	۲۱,۴	۵۲,۹	۳۴,۳	۲۲,۹	۴۰,۰	۵۱,۴	۳۸,۶
۳	۵۱,۴	۲۴,۳	۴۰,۰	۵۴,۳	۳۷,۱	۲۴,۳	۳۰,۰
۴	۱۱,۴	۸,۶	۷,۱	۱۱,۴	۷,۱	۱۴,۳	۷,۱
۵	۰,۰	۰,۰	۱,۴	۴,۳	۱,۴	۰,۰	۱,۴

با بررسی یافته های توصیفی مربوط به میانگین از شاخص های مربوط به محتوا در جدول شماره ۴ به این مسئله خواهیم رسید که میانگین به دست آمده در خصوص تدوین کتب بر اساس توانایی ها و ظرفیت های دانش آموزان (بیش از ۵۱٪) به گزینه متوسط پاسخ دادند همچنین در اکثر شاخص ها (توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان ۵۲,۹٪) - اصل سازمان دهی محتوا (۴۰٪) - رعایت پیش نیازهای آموزشی (۵۴,۳٪) - اصول اساسی مهارت آموزی (۴۰٪) - تناسب محتوا با دوره های قبل (۵۱,۴٪) و مسئله بوم شناختی آموزش (۳۸,۶٪) نرم میانگین های به دست آمده از آزمودنی ها متوسط و پایین تر از متوسط می باشد که این امر نشان دهنده لزوم تغییرات در اصول تدوین محتوا می باشد بخصوص در زمینه توجه به توانایی های دانش آموزان و تفاوت های فردی دانش آموزان و باید این شاخص مورد تجدید نظر متخصصان امر قرار گیرد.

### بحث و نتیجه گیری

آموزش در بهترین حالت، دانش آموزان را به دانش و مهارتی مجهز می کند که به آن ها امکان می دهد اهداف خود را تعریف و دنبال کنند و آن ها را برای مشارکت در زندگی و جوامع خود آماده می کند، در نتیجه، محتوای برنامه درسی، این موضوع که چه چیزی باید در همه مقاطع تحصیلی به دانش آموزان آموزش داده شود، یک مسئله اساسی است که هدف این پژوهش نیز بر همین مبنا گذاشته شده است (Jung & pinar, 2016). مخصوصاً برای دانش آموزان با نیازهای ویژه که در امر آموزش از شرایط خاصی باید بهره مند شوند چراکه در طراحی محتوای برنامه درسی دوره دوم متوسطه حرفه ای دانش آموزان با نیازهای ویژه لازم است به این موضوع توجه شود که اصولاً تحقق سازگاری اجتماعی، دستیابی به مهارت های زندگی مستقل و خودکفایی، دستیابی به مهارت های زندگی روزمره و حتی مهارت های اساسی خواندن، نوشتن و حساب کردن مستلزم طراحی و پیش بینی

دامنه‌ای وسیع و متنوع از حوزه‌های محتوایی مرتبط بوده که امکان ایجاد یادگیری عمیق و بدون فراموشی با توان تعمیم به موقعیت‌های جدید را در دانش آموزان با نیازهای ویژه ایجاد کنند.

درواقع در بررسی‌های به‌عمل‌آمده و جمع‌آوری داده‌های نظری و استخراج نکات ارزنده از مجموع مصاحبه‌ها و همچنین داده‌های پرسشنامه در این پژوهش می‌توان به این نکات رسید که محتوای کتاب درسی در برنامه آموزشی فعلی دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی دانش آموزان با نیازهای ویژه بیشتر از نیازهای واقعی دانش‌آموز است که در داده درصد میانگین پاسخ دهنده‌ها نیز این موضوع کاملاً با میانگین بالغ‌بر ۵۲٫۹٪ به‌وضوح قابل رویت می‌باشد همچنین در برنامه درسی فعلی، بین محتوای درسی دوره‌های آموزشی ارتباطی وجود ندارد یا ارتباط ناچیزی وجود دارد و ارتباط موضوعات و محتوای کتاب‌ها با نیازهای دانش آموزان بعضاً سنخیت ندارد. تعیین مطالب و محتوای دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی فعلی، وابسته به تعیین اهداف از پیش تعیین‌شده از سوی طراحان سازمان آموزش و پرورش کشور است. همچنین تمرکز اهداف محتوای آموزشی فعلی دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی دانش آموزان با نیازهای ویژه مخصوصاً در سطح اهداف عملیاتی با اهداف شناختی است که بر سطوح پایین حوزه شناختی (حفظ کردن و یادآوری) نیز تأکید دارد که یافته‌های طرح ارزشیابی ملی دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی نشان می‌دهد، اغلب دانش آموزان در دستیابی به اهداف شناختی این دوره ناموفق بوده و در اهداف مهارتی، نسبتاً مطلوب عمل کرده‌اند (امین خندقی & کاظمی، ۱۳۹۱)

همان‌گونه که قبلاً هم اشاره گردید در محتوای برنامه‌درسی فعلی دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی دانش آموزان با نیازهای ویژه به تفاوت‌های فردی دانش آموزان، توجه نمی‌شود و به دلیل عدم توجه به این تفاوت‌ها از ظرفیت‌های فرد و محیط و خانواده در راستای برنامه درسی به‌خوبی استفاده نمی‌شود. چنان‌که نقش خانواده در برنامه به نقل از کارشناسان طراح دوره در طراحی برنامه، دیده نشده است. در محتوای برنامه‌درسی فعلی به علایق و نیازهای دانش آموزان به‌عنوان مبنایی در جهت انتخاب اهداف توجه نمی‌شود بلکه جهت تحقق یادگیری در ساختار دانش سازمان‌یافته موضوعی که در قالب دروس مختلف به دانش آموزان عرضه می‌شود، به‌عنوان ابزاری فرعی و وسیله موردتوجه قرار می‌گیرد. در برنامه درسی فعلی، اهداف توسط دانش آموز و مشارکت معلم تعیین نمی‌شود، بلکه اهداف قطعی و تقریباً ایستایی حتی در سطح عملیاتی وجود دارد که لازم است معلم در تدریس محتوا به آنان توجه کند. مطالب ارائه شده در محتوا در برنامه درسی فعلی، اغلب مطابق با نیازهای دانش آموزان با نیازهای ویژه نبوده و انگیزه آنان را جهت فراگیری مطالب با عنایت به ویژگی‌های

شناختی، عاطفی، جسمی این افراد، پایین آورده و همکاری خانواده در جهت همراهی با برنامه و حمایت از دانش آموز با نیازهای ویژه را تضعیف می‌سازد که این امر می‌تواند بار روانی زیادی هم به دانش آموزان و هم به اولیای مدرسه و خانه وارد کند.

در برنامه درسی فعلی دوره دوم متوسطه حرفه‌آموزی دانش آموزان با نیازهای ویژه، محتوا ناظر بر حوزه شناختی و تأکید بر محفوظات و متشکل از مفاهیم انتزاعی و دشوار برای دانش آموزان است. در این برنامه، تأکید بر انتخاب و سازمان‌دهی محتوا و آموزش حجم معینی از محتوا در طول ماه‌های سال تحصیلی است و این امر باعث عبور کردن معلمان و کادر مدرسه و تیم توان‌بخشی از محتوای موردنیاز و ضروری فرد دارای کم‌توان ذهنی شده و امکان تقویت و افزایش سازگاری اجتماعی، استقلال و خودکفایی فرد، تحت‌الشعاع این نحوه هدف‌گذاری و انتخاب و سازمان‌دهی محتوا می‌شود و این موضوع در پژوهشی که توسط صادقیان و سورکی و تیم پژوهشی وی انجام شد به چشم می‌خورد که کتاب‌های درسی دوره پیش حرفه‌ای کودکان کم‌توان ذهنی به گونه‌ای متفاوت به آموزش مهارت‌های زندگی توجه دارند در بعضی از کتاب‌ها توجه بیشتر و در بعضی از کتاب‌های کمترین توجه صورت گرفته است و این تناقض باعث دور ماندن دانش آموز از مسئله سازگاری اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، اعتماد به نفس خواهد شد.

در محتوای فعلی بر حل مسائل ضروری دانش آموز دارای نیازهای ویژه تأکید نمی‌شود. اگر چه این دانش آموزان به دلیل ویژگی‌های عامی که دارند در زندگی روزمره با مسائلی مواجه می‌شوند که به نظر سایر افراد همسال یا جامعه، مسائل پیش‌پاافتاده و ساده‌ای تلقی می‌شوند اما افراد دارای نیاز ویژه برای فراگیری حل چنین مسائلی نیاز به فرصت‌سازی جهت تمرین حل مسئله و تسلط بر آن را دارند.

با این وجود علیرغم ملاک‌ها و موارد خوبی که در راهنمای برنامه درسی دوره دوم متوسطه حرفه‌ای دانش آموزان با نیازهای ویژه درباره نحوه انتخاب و سازمان‌دهی محتوا بیان شده است، اما عملاً انتخاب محتوا در همه دروس و حتی در دروسی که مربوط به مهارت‌های اجتماعی، سازگاری، مهارت‌های زندگی مستقل و نظایر این‌ها است بر اساس ویژگی‌ها کلی دانش آموزان با نیازهای ویژه به‌طور کامل نمی‌تواند منجر به تحقق اهداف برنامه درسی دوره دوم متوسطه حرفه‌ای شود؛ بنابراین لازم است همان‌طور که در جهت‌گیری‌های کلی در سازمان‌دهی محتوا در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است، انتخاب و سازمان‌دهی محتوا به‌ویژه برای آموزش مهارت‌های زندگی

و شغلی باید مبتنی بر شرایط و مقتضیات فرهنگی دانش‌آموز و بافتی که وی در آن به سر می‌برد، صورت پذیرد در واقع انتخاب و سازمان‌دهی فعالیت‌های یادگیری برای آموزش تابع شرایط و مقتضیات فرهنگی دانش‌آموزان است. از این رو، ضروری است آموزش از متن زندگی رخ دهد؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد که فرصت‌های تربیتی تدارک دیده شود که در آن دانش‌آموزان بتوانند به کسب تجربه در موقعیت‌های واقعی زندگی (به صورت فردی و گروهی) دست یابند جهت‌گیری اصلی در آموزش مهارت‌ها است. برگزاری اردوهای علمی، فرهنگی، زیارتی، شبیه‌سازی موقعیت‌های مرجع، توجه به شیوه‌های آموزش انفرادی، غیرمستقیم و تجربی از این جمله است. در واقع بهتر می‌باشد که سازمان‌دهی محتوای آموزشی و فعالیت‌های یادگیری این حوزه به تناسب نیاز و شرایط دوره‌های تحصیلی و با توجه به زمینه‌های آموزش تا پایان دوره آموزش عمومی به صورت تلفیقی و متناسب با نیازهای جامعه محلی و بوم‌شناختی باشد که با توجه به ساختار نظام آموزشی کشور که به گونه متمرکز اداره می‌شود یک محدودیت بر سر راه نتایج این‌گونه پژوهش‌ها می‌باشد البته می‌شود این نکته را لحاظ نمود که با همیاری و همکاری مراکز مردم‌نهاد می‌توان بر این محدودیت فائق آمد و آموزش‌ها را به‌گونه‌ای در این مراکز ارائه نمود که متناسب با ویژگی‌های فردی و بومی منطقه باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## منابع

- اسمیت، ت. پولووی، ا. وهمکاران. (۱۳۹۸). روان شناسی و آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه. تهران: ارسبارن.
- افشاره، ف. آرین، ف. (۱۳۹۵). دانش آموزان دیر آموز و مشکلات آموزشی: همراه با روش های ساده برای آموزش خواندن، نوشتن، مفاهیم پایه ریاضیات و مباحث کلی. تهران: آوای نور.
- امین خندقی، م. کاظمی، ص. (۱۳۹۱). طرح ملی ارزشیابی برنامه درسی دوره حرفه ای متوسطه دانش آموزان با نیازهای ویژه (کم توان ذهنی) در آموزش و پرورش استثنایی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- باقری فر، م. جدگال، ه. کیجا، م. شجاعیان، ع. (۱۳۹۵). روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی. چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، ص. ۱-۱۴. آتن.
- به پژوه، ا.و همکاران. (۱۳۹۰). اثر بخشی برنامه مهارت آموزی حرفه ای بر کارآمدی دانش آموزان کم توان ذهنی در دوره متوسطه از دیدگاه دبیران مدارس استثنایی شهر تهران. پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
- چکامه، ه. (۱۳۸۴). ریاضیات کاربردی برای دانش آموزان آهسته گام (عقب مانده ذهنی) آموزش پذیر. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. تهران.
- دیمه کار حقیقی، ف. امین خندقی، م. اصغری نکاح، س. (۱۳۹۷). تبیین جهتگیری برنامه درسی دوره پیش حرفه ای و متوسطه حرفه ای آموزش و پرورش استثنایی بر اساس نوع نگرش معلمان و کارشناسان به دانش آموزان کم توان کم توان. فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی، ص ۱۵۶-۱۸۶.
- صادقیان سورکی، م. خرمی، ج. قیصری، ا. موثقی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای کتاب های درسی دوره پیش حرفه ای کم توان ذهنی از لحاظ میزان توجه به آموزش مهارت های زندگی. چهارمین کنفرانس ملی مدیریت و حسابداری. تهران.
- غباری بناب، ب. حسین خانزاده فیروزجاه، ع. (۱۳۹۸). روان شناسی و آموزش کودکان با کم توانی هوشی. دانه تهران
- فریقی، س. (۱۳۹۵). دانش آموزان دیر آموز در آموزش و پرورش فراگیر (مطالبی برای پشتیبانی از معلمان و والدین دیر آموز. ادبیان روز. تهران
- کافمن، ج. ا. هالاهان، د. (۱۳۹۸). کودکان استثنایی (زمینه تعلیم و تربیت ویژه). (ف. ماهر، مترجم) رشد. تهران.
- کافمن، ر. هرمن، ج. (۱۳۹۶). برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی. نشر مدرسه. تهران
- کمالی، م. (۱۳۸۶). ارزیابی در توانبخشی. بازآموزی اصول توانبخشی سازمان بهزیستی کشور. پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی. تهران.
- مرادی، آ. قاسم زاده، آ. و تازیکی، ط. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتابهای فارسی دوره دوم دبستان دانش آموزان کم توان ذهنی بر اساس الگوی مکلافین. دومین کنگره بین المللی توانمند سازی جامعه در حوزه علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران.
- ملکی، ح. (۱۳۹۵). برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل). پیام اندیشه. مشهد.
- یارمحمدیان، م. (۱۳۹۷). اصول برنامه ریزی درسی: ماهیت برنامه ریزی درسی - مبانی فلسفی، روانشناختی و جامعه شناختی برنامه، ارزشیابی برنامه، تحلیل محتوا: یادواره کتاب. تهران

- Alqazlan, s., Alallawi, B., Totsika, V. (2019). *Post-secondary education for young people with intellectual disabilities: A systematic review of stakeholders' experiences. Educational Research Review, 28.*
- Gabrilli, o., Coppa, G. (2015). *retardation in mucopolysacchidoses correlates with high molecular weight urinary heparin derived. Journal of Business, 104-109.*
- Ibrahim, K. (2011). *A Content Analysis of Developmental Psychology Sections of Educational Psychology Textbooks Used for Teachers' Education in turkey. Procedia Social and Behavioral Sciences, 393-398.*
- Jung, J., pinar, W. (2016). *Conceptions of curriculum". In D.Wyse L. Hayward & J. Pandya The SAGE Handbook of curriculum, Pedagogy and Assessment. London: SAGE Publications Ltd. doi.*
- Moljord, G. (2017). *Curriculum research for students with intellectual disabilities: a contentanalytic review. Special Needs Education, 1-28.*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی